



## راهکارهای تقویت و رشد فضایل اخلاقی و معنوی در جامعه با تأکید بر نقش مساجد

محمد جانی‌پور\*

تاریخ دریافت مقاله: ۹۰/۸/۱۵

تاریخ تأیید مقاله: ۹۰/۱۰/۲۷

### چکیده:

دین مبین اسلام به‌عنوان رسالتی عمومی، به‌مقوله فرهنگ و توسعه فرهنگی اهتمام ویژه دارد، چنانکه می‌توان گفت حرکت و بعثت پیامبر (صلی الله علیه و آله) حرکتی فرهنگی و در راستای روشنگری و ایجاد تمدن اسلامی بوده است. فرهنگ اسلامی بنای مساجد را به‌عنوان نماد حکومت دینی و مرتبط با مردم مسلمان می‌داند که این تنها نمونه‌ای از کارایی مساجد و تلاش اسلام برای توسعه روابط اجتماعی و فرهنگی در فضاهای شهری بوده است.

در حقیقت توسعه فرهنگی به‌عنوان سیاستی کلی برای تقویت و رشد فضایل اخلاقی و معنوی در سطح جامعه، موضوع مورد بحث این مقاله می‌باشد که به‌واسطه مستندات دینی و تبیین نقش و جایگاه مساجد به آن پرداخته خواهد شد.

امیرالمومنین (علیه‌السلام) در روایتی، از جمله کارکردهای مسجد را کسب فضایل اخلاقی، هدایت یافتن و ترک گناه و ردائل اخلاقی دانسته‌اند. از این رو در این مجال با بهره‌گیری از آیات و روایات ائمه اطهار (علیه‌السلام) در رابطه با اهداف و کارکردهای مسجد به‌دنبال بیان نقش مسجد و تبیین مدل مفهومی آن به‌عنوان یکی از عواملی که می‌تواند نقش بسزایی در توسعه و تعالی فرهنگی، اخلاقی و معنوی جامعه داشته باشد، هستیم.

**واژگان کلیدی:** توسعه فرهنگی، فرهنگ، اخلاق، ارزش‌های اخلاقی، مسجد.

## مقدمه

بنابراین بر تمام خانواده‌ها و متولیان امور مذهبی و فرهنگی

کشور لازم است که بیش از دیگر امور به این دوران و این نسل توجه کرده و برای تأمین سلامت آینده جامعه، بر روی نسل جوان سرمایه‌گذاری کرده و این فرصت را مغتنم بشمارند، چرا که در دوران جوانی سعادت اخروی او تأمین می‌شود. امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام) در این رابطه می‌فرمایند: «لَا تَنْسَ صِحَّتَكَ وَ قُوَّتَكَ وَ فِرَاغَكَ وَ شَبَابَكَ وَ نِشَاطَكَ إِنْ تَطْلُبَ بِهَا الْآخِرَةَ»<sup>۲</sup> (حرّ عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، باب ۲۰: ح ۲۱).

در حقیقت توسعه فرهنگی جامعه به معنای راهکاری برای رشد و تقویت بنیان‌های اخلاقی و کسب فضایل معنوی به‌عنوان سیاستی کلی برای رسیدن به توسعه پایدار در جامعه، موضوعی می‌باشد که به‌واسطه مستندات دینی می‌توان بدان پرداخت، ولی نکته مهم و شایان توجه در این راستا تبیین نقش و جایگاه مساجد در این سیاست و راهبرد است. با کمال تأسف باید گفت که نداشتن توجه کافی به نقش و جایگاه مساجد، جاذبه‌های بی‌بدیل و تأثیرات عظیم و مهم مساجد را به‌شدت کاهش داده و این کاهش، پیامدهای ناگواری همچون گسترش تأثیرات تهاجم فرهنگی بر جوانان و امت اسلامی را در پی داشته است.

نکته شایان ذکر در رابطه با رویکرد این مقاله این است که مؤلف معتقد است مساجد بهترین مراکز هستند که از آنها می‌توان برای جذب مردم - عموماً - و جذب جوانان - خصوصاً - استفاده کرد. اگر دولت اسلامی بخواهد مردم را در مکان‌های دیگری جز مساجد سازماندهی کند، می‌باید هزینه‌های فراوانی صرف کند؛ اما با بهره‌گیری بهینه از این نهاد غنی دینی، جذب جوانان کاملاً عملی، موفق و مقرون به‌صرفه می‌شود و دارای آثار بسیار مبارکی نیز خواهد بود.

هدف این مقاله بیان کارکردهایی است که در توسعه و تعالی فرهنگی جامعه نقش عمده‌ای را ایفاء می‌کند. ادعای نگارنده این مقاله این است که مسجد می‌تواند سهم مهمی در توسعه و تعالی فرهنگی جامعه اسلامی داشته باشد و از ادعاهای مطلق‌انگارانه و انحصارگرایانه به‌شدت پرهیز دارد و هرگز مسجد را راه‌حل تمام معضلات فرهنگی نمی‌داند، بلکه بر نقش بسیار مؤثر این

پژوهش‌ها ثابت کرده که توسعه به‌مثابه واقعیتی مطلوب، دارای ابعاد گوناگونی است. در جهان معاصر ارتباط، پیوند تأثیر و تأثر متقابلی که بین ابعاد مختلف توسعه از جمله توسعه فرهنگی وجود دارد، مورد توجه اندیشمندان و متفکرین قرار گرفته، چرا که دیگر ابعاد توسعه همچون توسعه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، بدون توجه به توسعه فرهنگی و توسعه منابع انسانی امری کاملاً دور از دسترس می‌باشد، همچنان که توسعه فرهنگی و توسعه منابع انسانی نیز بدون رشد توسعه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، با مشکلات فراوانی مواجه می‌شود.

بر این اساس ضرورت تعلیم و تربیت و پرورش نیروی انسانی پارسا، کارآمد، توانا و متخلق به اخلاق اسلامی و دینی به‌مثابه یکی از شاخص‌های توسعه فرهنگی در تحقق دیگر ابعاد توسعه واقعیتی انکارناپذیر است. بی تردید در توسعه یک کشور مهمترین بُعد، مسائل فرهنگی است و اگر در توسعه سیاسی و اقتصادی به مسائل فرهنگی توجه نشود، توسعه اجتماعی به مفهوم امروزی آن تحقق نخواهد یافت. یکی از ارکان مهم توسعه فرهنگی در جوامع بشری نیز وجود نیروی انسانی فعال و متعهد و متخلق است.

در رابطه با نقش و جایگاه نیروی انسانی فعال و متعهد در فرایند توسعه ذکر این نکات کافی است که این قشر می‌تواند منشأ تحول در جوامع باشد، به‌خصوص اگر این قشر در دوران جوانی با مسجد و فرهنگ والا و غنی دین مبین اسلام عجین شده و با این رویکرد دینی تربیت شوند.

دوران جوانی، دوره بسیار مهمی در آموزش و تثبیت اعتقادات دینی فرد می‌باشد، از این رو دوران بسیار حساس و قابل توجهی است که اگر این فرصت از دست برود، دیگر امکان بازیابی آن وجود ندارد و به همین دلیل است که فرهنگ اسلام، جوان را در جایگاهی ارزشمند قرار داده و تعابیر والایی را در شأن او آورده که در این باره می‌توان به این حدیث شریف نبوی اشاره کرد که می‌فرمایند: «مَا بَعَثَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ نَبِيًّا إِلَّا وَهُوَ شَابٌّ وَ لَا أُوْتِيَ عَالِمٌ عِلْمًا إِلَّا وَهُوَ شَابٌّ»<sup>۱</sup> (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۴: ۳۷۲).

۱. پیامبر اکرم(ص): خداوند عزوجل، هیچ پیامبری را جز در جوانی، مبعوث نکرد و به هیچ دانشمندی جز در جوانی، دانش عطا نشد.  
۲. امام علی(ع): تندرستی، توان و فراغ و جوانی و نشاط را برای اینکه با آن آخرت را طلب کنی فراموش نکن.

البته این امر در طول تاریخ در فرهنگ اسلامی و به‌ویژه شیعی نیز سابقه دارد. برای مثال «اجماع» یکی از منابع استنباط احکام در نزد عامه بوده است که علمای شیعه این لفظ را پذیرفته و تلقی خود را جایگزین معنای آن نموده‌اند و یا لفظ «اجتهاد» که در سده‌های اول به معنای اجتهاد به رأی، امری منفور بوده است ولی امروزه پس از استبدال معنایی در طول تاریخ، مایه فخر و پویایی فقه شیعی است. شهید مطهری در این باره می‌گوید: کلمه اجتهاد تا قرن پنجم به معنای قیاس و اجتهاد رأی که از نظر شیعه، اجتهاد ممنوع است، استعمال می‌شد. علمای شیعه تا آن وقت در کتب خود باب‌الاجتهاد را می‌نوشتند، برای اینکه آن را رد کنند و باطل بشمارند و آن را ممنوع اعلام نمایند؛ ولی تدریجاً معنای این کلمه از اختصاص بیرون آمد و معنای صحیح و منطقی پیدا کرد، یعنی به کار بردن تدبیر و تعقل در فهم ادله شرعی که البته احتیاج دارد، به یک رشته علوم که مقدمه شایستگی و استعداد تعقل و تدبیر صحیح و عالمانه هستند. (ر.ک: مطهری، ۱۳۸۱: ۱۰۹-۱۱۰).

در عصر حاضر که بعضی از آن به عصر احیاء‌گری دینی یاد کرده‌اند، مفاهیمی همچون ارزش‌های متعالی و مبانی اخلاقی نیز به دایره عناصر اصلی توسعه راه یافته‌اند.

بدیهی است که توسعه به مفهوم متعارف با مفهوم اسلامی کمال یافتگی فرد و جامعه تفاوت دارد؛ اما به اعتقاد برخی در تفکر اسلامی «توسعه دین‌محور» را با تعبیر قرآنی «حیات طیبه» می‌توان تبیین نمود. (علی اکبری، ۱۳۸۱: ۶۲)

توسعه دین‌محور مبتنی بر عبودیت و عدالت است و از تحول درونی انسان‌ها آغاز می‌گردد. (الویری، ۱۳۸۶: ۸) این تلقی از توسعه، برهم زنده توهم ناسازگاری پاره‌ای آموزه‌های اسلامی با توسعه مانند: تقدیرگرایی، سرزنش ثروت‌اندوزان، آخرت‌گرایی، توصیه به انفاق و زهد است. (خلیلیان، ۱۳۸۱: ۸۰).

البته ذکر این نکته لازم است که در طول تاریخ تلقی نادرست برخی از مسلمانان از این آموزه‌های دینی با پیشرفت و توسعه در ابعاد اجتماعی، اقتصادی و سیاسی در تعارض قرار گرفته است. تقدیرگرایی به معنای عدم تلاش برای ساختن دنیایی

نهاد دینی در تعالی فرهنگی جامعه اسلامی - که بعضاً مغفول مانده و از این جهت شایسته توجه بیشتری از سوی مسئولین، سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان فرهنگی جامعه است - تأکید دارد.

### توسعه دین‌محور

توسعه سیری است که متضمن بهبود مداوم همه عرصه‌های زندگی انسانی، اعم از مادی و معنوی و نیز بنیان‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی می‌باشد و انسان در این سیر به حیاتی با عزت نفس و اتکا به خود همراه با گسترش دایره انتخاب در محدوده‌ای پذیرفته شده، دست می‌یابد. توسعه دارای اهداف و آرمان‌هایی است که ارتقای مادی و معنوی جوامع انسانی را باعث می‌گردد و به همین دلیل مورد توجه و اندیشه‌ورزی اندیشمندان مسلمان قرار گرفته است. توسعه دارای ابعاد مختلفی مانند توسعه اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و انسانی می‌باشد. (خلیلیان، ۱۳۸۱: ۵۱)

از «توسعه»<sup>۱</sup> تعاریف متفاوتی به‌وسیله صاحب‌نظران ارائه گردیده است، اگرچه مفهوم ترقی<sup>۲</sup>، رشد<sup>۳</sup>، پیشرفت<sup>۴</sup> و گسترش<sup>۵</sup> نیز از گذشته‌های خیلی دور در ادبیات اقتصادی و اجتماعی مطرح بوده، ولی واژه توسعه به مفهوم متداول کنونی آن بیشتر مدنظر بوده است، چرا که این مفاهیم در حقیقت، اگرچه حرکتی در جهت بهبود اوضاع و شرایط موجود یک جامعه را مدنظر دارند؛ اما به نسبت توسعه از معانی و مفاهیم محدودتری برخوردارند. توسعه، حرکت به سمت بهبودی و تغییر شرایط از وضع کنونی به شرایطی مطلوبتر را به‌عنوان هدف آرمانی خود در نظر می‌گیرد. (همان: ۸۰)

زبان و ادبیات مقوله‌ای پویاست و مفاهیم و الفاظ در طول زمان و در بافت‌های فرهنگی مختلف دچار تطوراتی می‌شوند و گاه از یک مفهوم واحد در فرهنگ‌های مختلف معانی متفاوت و متعددی مستفاد می‌گردد. توسعه، یکی از این مفاهیم است که در عصر حاضر پس از فراهم شدن زمینه مساعدی برای بازگشت بشر به دین و مدخلیت یافتن ارزش‌های اخلاقی در عرصه‌های اجتماعی حتی در دنیای سکولار غربی، در برخی فرهنگ‌ها دچار تغییر، تحول و تکامل معنایی شده است.

1. Development  
2. Progress  
3. Growth

4. Advancement  
5. Expansive

عربی به معنای فرهنگ به کار گرفته شده است، «الثقافه» می‌باشد که در قرآن چنین واژه‌ای اصلاً وجود ندارد.

اما اگر با این تعریف از فرهنگ موافق باشیم که: «فرهنگ عبارت از همه نهادها، فنون، هنرها، رسوم و سنت‌ها، ادبیات و اعتقادات متعلق به یک قوم است که به‌طور اکتسابی و نیز در جریان آموزش‌های گوناگون از نسلی به نسل دیگر انتقال می‌یابد» (صالحی، ۱۳۸۲، ج ۵: ۴۲) آنگاه باید گفت که واژه‌هایی چون؛ ملت، سنت، امت، دین و خلق در پاره‌ای از آیات قرآن و احادیث در مفاهیمی نزدیک به مفهوم واژه فرهنگ به کار گرفته شده است و یا حداقل هر یک از این واژه‌ها بیانگر عنصری از عناصر متعدد فرهنگ است.

برای مثال خداوند متعال در آخرین آیه از سوره حج، مسلمانان را به تبعیت از ملت ابراهیم فراخوانده و می‌فرماید: «مِلَّةَ أَبِيكُمْ إِبْرَاهِيمَ» (حج، ۷۸) و همچنین در سوره بقره نیز متذکر می‌شود که «وَلَنْ تَرْضَىٰ عَنْكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارَىٰ حَتَّىٰ تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ» (بقره، ۱۲۰) که در این آیات تعبیر ملت از سوی مفسران به معنای مذهب، نحله فکری، خواسته‌ها و راه و رسمی که در بین یک قوم معمول است، اطلاق شده است. (طبرسی، ج ۱: ۳۷۳)

تعبیر ملت در قرآن گاه به پیامبران اضافه شده و گاه به اقوام خاصی چون یهود و نصاری و علاوه بر این دو مورد، در پاره‌ای دیگر از آیات به طریقه بت‌پرستان اطلاق شده است، چنانکه می‌فرماید: «قَدْ افْتَرَيْنَا عَلَى اللَّهِ كَذِبًا إِنْ عُدْنَا فِي مِلَّتِكُمْ» (اعراف، ۸۹) اگر ما به آیین شما بازگردیم، بعد از آنکه خدا ما را از آن نجات بخشیده، به خدا دروغ بسته‌ایم و شایسته نیست که ما به آن بازگردیم. از همین جا می‌توان یافت که این واژه می‌تواند عناصری از فرهنگ یک قوم و قبیله را متجلی کند، زیرا مشرکان بدان پای‌بند بوده و حاضر به از دست دادن آن در مقابل پیامبران نبوده‌اند، چنین چیزی جز مجموعه‌ای از اعتقادات، آداب و رسوم و احیاناً اخلاقیات منحط و در یک کلام فرهنگ مبتنی بر شرک نبوده است که از آنها با تعبیر ملت سخن به میان آمده است.

به این ترتیب احتمالاً صحیح خواهد بود اگر متذکر شویم که واژه ملت بیشتر ناظر به بعد اعتقادی یک فرهنگ است که ممکن است ترکیبی از عقاید صحیح و پسندیده یا عقاید خرافی و غلط

بهتر و بهره‌برداری از نعمت‌های الهی، سرزنش ثروت‌اندوزان به معنای منفوریت اصل ثروت و تلاش برای افزایش ثروت جامعه، آخرت‌گرایی به معنای نفی رفاه دنیوی، زهد به معنای کناره گرفتن از مواهب الهی و انزوای از جامعه و فرار از مسئولیت‌های اجتماعی، نمونه‌هایی از این نوع انحراف در برداشت‌های دینی هستند.

با این وصف، توسعه در باور دینی بر دو پایه مهم استوار است: ۱. نگاه همه‌جانبه به انسان و ابعاد وجودی او؛ به معنای توجه به همه نیازهای مادی و معنوی، علمی، عاطفی، جسمی و روحی بشر در نگاهی متعادل و نه الزاماً مساوی.

۲. محدود ندانستن زندگی انسان به حیات دنیوی و نگاه ابزاری به دنیا. در نگاه دینی حیات انسان محدود به دوره حضور او در این دنیا نیست و انسان دارای حیات جاویدان است و زندگی دنیوی او تعیین‌کننده چگونگی زیست اخروی اوست، یعنی دنیا نسبت به آخرت نقش ابزاری دارد. البته این سخن به معنای عدم تلاش برای آباد کردن دنیای انسان‌ها نیست و توشه آخرت را باید از همین دنیا برگرفت و این مزرعه اگر آباد نباشد، محصولی درخور از آن درو نخواهد شد. (ر.ک: الویری، ۱۳۸۶: ۷)

در توسعه دین‌محور، نقش بنیادین و محوری را نهادهای دینی برعهده دارند. مسجد یکی از این نهادهای دینی است که با هدف معینی از سوی شارع تأسیس شده است و کارکردهای متنوعی را دربردارد که به این مطلب به تفصیل در بخش دوم مقاله خواهیم پرداخت.

## فرهنگ دین‌محور

بحث درباره فرهنگ<sup>۱</sup> تعریف، کارکردها و عناصر تشکیل‌دهنده آن از جمله مباحثی است که در چند قرن اخیر توجه محققان غربی و شرقی را به‌خود جلب کرده و به پیدایش نظریه‌ها و تحقیقات متعددی انجامیده است. در نگاه اول به نظر می‌رسد بحث منسجم و مستوفایی درباره فرهنگ، عناصر و کارکردهای آن در منابع دینی مطرح نشده است؛ حتی به دشواری می‌توان معادل و مترادفی برای واژه فرهنگ در آیات قرآن و احادیث معصومین (ع) پیدا کرد، زیرا مشخص‌ترین واژه‌ای که در زبان

باشد (معارف، ۱۳۸۳: ۲۸۷).

برخی اندیشمندان نیز فرهنگ را آمیخته‌ای از باورها، اعتقادات، ارزش‌ها، اخلاقیات، رفتارها و مصنوعات می‌دانند. (مصباح یزدی، ۱۳۷۹: ۱۰۳-۱۰۴) این تعریف تا حدودی مشابه تعریف دین است که آن را مجموعه اعتقادات، اخلاقیات و احکام می‌داند و به نظر می‌رسد از این دیدگاه فرهنگ به میزان زیادی به مفهوم دین نزدیک می‌شود.

### اخلاق مبتنی بر فرهنگ اسلامی

«توسعه فرهنگی»<sup>۱</sup> یکی از مفاهیم جدید در عرصه حیات اجتماعی است و پیش از آنکه محصول رشد فرهنگی باشد، بیشتر نتیجه توسعه عمومی جوامع است. امروزه توسعه فرهنگی جزو جدایی‌ناپذیر توسعه پایدار و یکی از مهمترین محورهای آن محسوب می‌شود، آن چنان که برای سنجش میزان توسعه واقعی، میزان توسعه و ارتقای بخش فرهنگ را مورد ارزیابی قرار می‌دهند. فرهنگ و توسعه آن در فرآیند توسعه اجتماعی، اقتصادی و سیاسی از چنان جایگاهی برخوردار است که بدون موفقیت در این بخش، دستیابی به توسعه در سایر بخش‌ها ناممکن به نظر می‌رسد. از همین رو است که از توسعه فرهنگی به‌عنوان بستر تحقق توسعه یاد می‌شود (خلیلیان، ۱۳۸۱: ۸۴).

در این میان توجه به رشد فکری و اخلاقی جامعه، تقویت باورهای دینی و سنت‌های الهی و تلاش برای تعالی ارزش‌های اخلاقی و معنوی در جامعه از جمله مهم‌ترین مسائلی است که دستیابی به توسعه فرهنگی را میسر می‌سازد. (حسینی منش، ۱۳۷۲: ۳۸).

اخلاق به‌معنای نصیب و بهره مشخص هر شخص از فضایل و رذائل می‌باشد. در نتیجه شخص با اخلاق کسی است که از فضایل و رذایل اخلاقی بهره فراوانی داشته است، زیرا فضایل یا رذایل اخلاقی هستند که حالت صفت و ملکه‌ای نفسانی را در انسان ایجاد می‌کنند. (فتحعلی‌خانی، ۱۳۷۴، ج ۱: ۵۳).

در تعریف اصطلاحی علم اخلاق نیز اگرچه عبارات علمای مختلف بوده و هر کدام را عبارتی خاص می‌باشد؛ اما با اندک تأملی در می‌یابیم که در واقع همه، حقیقت واحدی از مفهوم اخلاق را در نظر داشته‌اند، لکن در اظهار و بیان این حقیقت، آن

را به الفاظ و تعبیر مختلفی ترسیم کرده‌اند و بنابراین اختلافاتی لفظی در این حوزه پیش آمده است. ابوعلی مسکویه که از قدمای علمای اخلاق است، در تعریف اخلاق چنین می‌گوید: «خُلُق همان حالتی است که برای نفس انسانی حاصل می‌گردد که نفس را به جانب افعال آن و بدون تفکر و تأمل به‌سوی کارهایی تحریک و فرا می‌خواند». (ابن مسکویه، ۱۴۱۵ق: ۵۱)

همچنین وی در کتاب خویش به‌نام «تهذیب الاخلاق» قول غزالی را از کتاب «احیاءالعلوم» نقل کرده و بر این مطلب تأکید دارد که «آن هیأت نفسانی و حالت راسخه‌ای که خُلُق نامیده می‌شود، اگر کانون افعال نیکو باشد، آن را خُلُق حسن و اگر مصدر اعمال زشت باشد، آن را خُلُق قبیح می‌نامند». (همان: ۲۵)

ملاصدرا نیز در تعریف علم اخلاق، حکمت عملی و اخلاق را اعم گرفته است و در این صورت بخشی از آن را به رفتار آدمی مربوط می‌داند. به اعتقاد وی منظور از حکمت عملی، نفس خوبی یا علم به‌خوبی و گاه رفتاری است که از خوبی بر می‌خیزد. به عبارت دیگر ملاصدرا حکمت عملی را که در برابر حکمت نظری قرار دارد، علم به‌خوبی و آنچه از آن برمی‌خیزد، می‌داند و در این جا رفتار برخاسته از خوبی جزو حکمت عملی محسوب می‌شود. (شیرازی، بی تا، ج ۴: ۱۱۶).

در نهایت با توجه به تعاریف مطرح شده می‌توان اینگونه نتیجه گرفت که علم اخلاق، علمی است که از فضایل و رذایل سخن می‌گوید و خُلُق در واقع ملکه‌ای نفسانی است که باعث می‌شود افعال خاصی از انسان به‌سادگی و بدون نیاز به فکر و تأمل صادر شود. خُلُق نیکو یعنی صفات نفسانی پایدار نیکو و خُلُق بد یعنی صفات نفسانی پایدار بد که خُلُق نیکو را فضیلت و خُلُق بد را رذیلت نامیده‌اند. این فضایل و رذایل در طول زمان به ملکات نفس انسان تبدیل شده و منشأ افعال نیک و بد او می‌شوند. فضایل موجب کمال انسان و نیکی دنیا و آخرت او شده و رذایل، انسان را از کمال واقعی دور می‌کند و دنیا و آخرت او را تباه می‌سازد.

### نقش مسجد در توسعه فرهنگی جامعه

یکی از ارکان اساسی ادیان الهی به‌ویژه دین اسلام، عبادت



مکانی که برای نماز گذاردن همه مسلمانان وقف می‌شود و با این وصف سه ویژگی اصلی مسجد عبارتند از: موقوفه بودن (در تملک خاصی نبودن)، عمومی بودن (عدم اختصاص به عده‌ای خاص) و اختصاص به اقامه نماز. (الویری، ۱۳۸۶: ۸)

در فرهنگ دینی و قرآنی گاه از مسجد به عنوان «بیت الله» نیز یاد می‌شود. برای مثال از قرینه آیات زیر می‌توان به این مفهوم دست یافت: «فِي بُيُوتٍ أُذِنَ لِلَّهِ أَنْ تَرْفَعَ وَيُذَكَّرَ فِيهَا اسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ»<sup>۳</sup> (نور، ۳۶) و «وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ مَنَعَ مَسَاجِدَ اللَّهِ أَنْ يُذَكَّرَ فِيهَا اسْمُهُ»<sup>۴</sup> (بقره، ۱۱۴).

علامه طباطبایی در کتاب شریف تفسیر المیزان می‌فرماید: قدر مسلم از معنای بیوت همان مساجد است که جایگاهی ویژه برای ذکر نام خداست و به همین منظور بنا شده و حتی خانه‌های پیامبران و ائمه اطهار نیز از مصادیق کلمه بیوت است (طباطبایی، ۱۳۴۷، ج ۴: ۱۲۶).

راز این نامگذاری آن است که مردم در این مکان به سوی خداوند متعال تقرب می‌جویند و با عبادت خالصانه و جمعی به سوی او ره می‌سپارند و از همین روی قرآن کریم کعبه را که برترین خانه خدا بر روی زمین است، خانه‌ای برای مردم به‌شمار می‌آورد؛ «إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِّلْعَالَمِينَ»<sup>۵</sup> (آل عمران، ۹۶).

در قرآن کریم هر جا سخن از مسجد به میان آمده، به جنبه‌های عبادی آن به عنوان عنصر محوری و بنیادین در تعالی فرهنگ دینی جامعه اشاره شده و در آیه‌های متعددی مسجد جایگاه عبادت و یاد خداوند شناخته شده است مانند:

- «وَأَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا»<sup>۶</sup> (جن، ۱۸).  
 - «قُلْ أَمَرَ رَبِّي بِالْقِسْطِ وَأَقِيمُوا وُجُوهَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ كَمَا بَدَأَكُمْ تَعُودُونَ»<sup>۷</sup> (اعراف، ۲۹).  
 - «الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ إِلَّا أَنْ يَقُولُوا رَبُّنَا اللَّهُ وَ»

است. این واژه در فرهنگ دینی دارای دو معناست: عبادت در معنای عام و گسترده، هر رفتار و کرداری - که مایه خشنودی و رضایت خداوند باشد - را در بر می‌گیرد. مفهوم خاص عبادت، راز و نیاز نمودن با خداوند و نجوا گفتن با اوست. عبادت در این معنا اموری همچون نماز، دعا، ذکر و تلاوت قرآن را شامل می‌شود که در این میان نماز از شأن و جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

برای پیدایش عبادتی این چنین، اسباب و عوامل فراوانی مورد نیاز است که برخی درونی همچون شرایط درونی و روحی شخص عبادت‌کننده و بخشی نیز به عوامل بیرونی همچون مکان و زمان انجام عبادت باز می‌گردد. در حقیقت می‌توان گفت که یکی از رموز اصلی بنای مسجد در اسلام، فراهم آوردن مکانی برای کسب عوامل درونی و بیرونی انجام عبادت خالصانه و خداپسندانه برای خداوند است (الویری، ۱۳۸۶: ۸).

مسجد از نگاهی خانه خدا «وَأَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا»<sup>۱</sup> (جن، ۱۸) و از نگاهی دیگر، محل و جایگاه پیام‌آوران بزرگ الهی و خانه همه تقوایبشگان و محبوب‌ترین مکان‌ها نزد خداوند است. «قال رسول الله (عليه السلام): أَحَبُّ الْبِقَاعِ إِلَيَّ اللَّهُ الْمَسَاجِدُ»<sup>۲</sup> (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۳: ۳۶۳).

اساساً علت نهادن نام مسجد بر چنین مکانی از آن روست که جایگاه سجده و تواضع در پیشگاه خداوند متعال است. سجده مظهر بندگی و کرنش کردن در برابر حق تعالی است و در میان تمام عبادت‌ها حتی نسبت به دیگر اجزای نماز نیز از شرافت و برتری ویژه‌ای برخوردار است، بنابراین مسجد به معنای محل سجده و نماز و در واقع به معنای جایگاه عبادت و یاد خداوند متعال است.

مسجد در اصل واژه‌ای عربی از ریشه (سَجَدَ) به معنای سجده‌گاه است، اگرچه برخی آن را واژه معرَّب از لغت آرامی به نام (مزگت) می‌دانند. (معین، ۱۳۷۸: ۴۰۶۳) البته مسجد در اصطلاح شرعی تعریف دقیق‌تری دارد که عبارت است از:

۱. و اینکه مساجد از آن خداست، پس هیچ کس را با خدا نخوانید.  
 ۲. پیامبر اکرم(ص)؛ بهترین مکان‌ها نزد خداوند مساجد است.  
 ۳. (ابن چراغ پرفروغ) در خانه‌هایی قرار دارد که خداوند اذن فرموده دیوارهای آن را بالا برند (تا از دستبرد شیاطین و هوسبازان در امان باشد) خانه‌هایی که نام خدا در آنها برده می‌شود، و صبح و شام در آنها تسبیح او می‌گویند.  
 ۴. کیست ستمکارتر از آن کس که از بردن نام خدا در مساجد او جلوگیری کرد.  
 ۵. نخستین خانه‌ای که برای مردم (و نیایش خداوند) قرار داده شد، همان است که در سرزمین مکه است، که پر برکت، و مایه هدایت جهانیان است.  
 ۶. و اینکه مساجد از آن خداست، پس هیچ کس را با خدا نخوانید.  
 ۷. بگو: پروردگام امر به عدالت کرده است و توجه خویش را در هر مسجد (و به هنگام عبادت) به سوی او کنید؛ و او را بخوانید، در حالی که دین (خود) را برای او خالص گردانید! (و بدانید) همان‌گونه که در آغاز شما را آفرید، (بار دیگر در رستخیز) باز می‌گردید.

امام خمینی (ره) در مورد اهمیت مسجد و نقش آن در یک حکومت اسلامی می‌فرماید: «مسجد یک سنگر اسلامی است و محراب محل جنگ است، محل حرب است. این را می‌خواهند از دست شما بگیرند... در این دو سه سال اخیر مسجد یک محلی بود که مردم را به نهضت و به قیام بر ضد ظلم تهییج می‌کرد» (خمینی، ۱۳۸۲، ج ۱۳: ۳۶۲).

فرهنگ اسلامی بنای مساجد را به عنوان نماد حکومت دینی و مرتبط با مردم مسلمان در انواع مختلف از مساجد جمعه تا محله که پذیرای اقشار مختلف مردم در ساعت‌های متنوع بودند، تشکیل داد که این نمونه‌ای از کارایی مساجد و تلاش اسلام برای توسعه روابط اجتماعی و فرهنگی در فضاهای شهری به واسطه مساجد از دیرباز تاکنون بوده است. تکایا، امامزاده‌ها، مدارس قدیم و ... از دیگر عناصر خاص و مؤثر این جریان هستند (مساجد در تمدن اسلامی، ۱۳۸۴: ۴۶).

### نقش مسجد در تعالی اخلاق جامعه

در دوره‌های درخشان تمدن اسلامی، مسجد در حیات اجتماعی مسلمانان با نقش‌هایی همچون مجلس شورا، محل داوری، مرکز فتوا، پایگاه یا ستاد نیروهای نظامی و غیره جلوه کرده است (همان: ۴۸).

سپاهیان از مسجد برای جهاد در راه خدا گسیل می‌شدند، قضاوت و داوری امور اجتماعی مردم در مسجد انجام می‌شده است، حل اختلافات سیاسی و انجام بیعت با حاکمان در مسجد بوده است، پیمان‌های سیاسی و اقتصادی در مسجد منعقد می‌شده است، اسیران جنگی را در مسجد جای می‌دادند و ایشان را تا آزادی و مسلمان شدن در آنجا نگهداری می‌کردند، میهمانان و گروه‌هایی که قصد تشریف به اسلام را داشتند یا برای مناظره علمی می‌آمدند، در مسجد اسکان داده می‌شدند، پیامبر (ص) در بسیاری موارد، تازه مسلمانان را به صورت فردی در مسجد

لَوْ لَا دَفَعَ اللَّهُ النَّاسَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا لَهَدَمْتُ صَوَامِعَ وَبَيْعَ وَصَلَوَاتٍ وَمَسَاجِدَ يُذَكَّرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ<sup>۱</sup> (حج، ۴۰)

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، در این آیات وصفی که برای مسجد ذکر شده، آن است که در مساجد نام خداوند برده می‌شود و مردان خدا برای تسبیح و ستایش حق تعالی در صبح و شام بدان روی می‌آورند و این مسئله به‌روشنی بیانگر این حقیقت است که رسالت اولیه و اساسی این مکان مقدس در اسلام، آن است که کانون عبادت، ذکر و تسبیح خداوند متعال باشد.

در سخنان معصومان (ع) نیز بر جنبه‌های عبادی مسجد تأکید فراوان شده است. در این زمینه کافی است به باب احکام مسجد در کتب حدیثی مراجعه شود که مملو از روایات و احادیث پیرامون جنبه‌های عبادی و احکام فقهی مسجد است. از این امر می‌توان نتیجه گرفت که حضرات معصومین (ع) در پی آنند تا مسجد جایگاهی مناسب برای ذکر و یاد حق تعالی بوده و مؤمنان در آنجا با حضور قلب، خدای خود را پرستش کنند و از آثار و برکات آن بهره‌مند شوند.

همچنین روایات دیگر که تأکید بر حضور در مساجد و برپایی نماز جماعت و بیان ثواب‌های مختلف آن دارد نیز از این دسته به‌شمار می‌روند مانند:

«قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه و آله): مَنْ صَلَّى الْخُمْسَ فِي جَمَاعَةٍ فَظَنُّوا بِهِ خَيْرًا»<sup>۲</sup> (حرّ عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۸: ۲۸۶).

«قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه و آله): الْجُلُوسُ فِي الْمَسْجِدِ انْتِظَارًا لِلصَّلَاةِ عِبَادَةٌ»<sup>۳</sup> (مجلسی، ۱۴۱۲ق، ج ۸۰: ۳۸۰).

«عَنْ أَبِي ذَرٍّ عَنِ النَّبِيِّ (صلى الله عليه و آله): فِي وَصِيَّتِهِ لَهُ قَالَ يَا أَبَا ذَرٍّ إِنَّ اللَّهَ يُعْطِيكَ مَا دُمْتَ جَالِسًا فِي الْمَسْجِدِ بِكُلِّ نَفْسٍ تَنْفَسَتْ فِيهِ دَرَجَةٌ فِي الْجَنَّةِ وَ تَصَلِّيَ عَلَيْكَ الْمَلَائِكَةُ وَ يَكْتَبُ لَكَ بِكُلِّ نَفْسٍ تَنْفَسَتْ فِيهِ عَشْرُ حَسَنَاتٍ وَ يَمْحَى عَنْكَ عَشْرُ سَيِّئَاتٍ»<sup>۴</sup> (حرّ عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۴: ۱۱۷)

۱. همان‌ها که از خانه و شهر خود، به ناحق رانده شدند، جز اینکه می‌گفتند: «پروردگار ما، خدای یکتاست!» و اگر خداوند بعضی از مردم را بوسیله بعضی دیگر دفع نکند، دبرها و صومعه‌ها، و معابد یهود و نصارا، و مساجدی که نام خدا در آن بسیار برده می‌شود، ویران می‌گردد! و خداوند کسانی را که یاری او کنند (و از آیینش دفاع نمایند) یاری می‌کند خداوند قوی و شکست‌ناپذیر است.  
۲. هر کس نمازهای پنج‌گانه خود را در مسجد بصورت جماعت اقامه کند پس بر او گمان نیک برسد.  
۳. نشستن در مسجد به انتظار اقامه نماز عبادت است.  
۴. از ابوذر غفاری نقل شده است که پیامبر به او وصیت کردند: ای ابادر، بدرستی که خداوند به تو اعطا می‌کند مادامی که در مسجد نشستهای به اندازه هر نفسی که می‌کشی درجه‌ای در بهشت و ملائکه نیز بر تو درود می‌فرستند و برای تو به اندازه هر نفسی که می‌کشی ده حسنه ثبت و ده گناه تو را پاک می‌کنند.

مساجد همچون نور چشم مسلمانان هستند که آنها را از جان و دل دوست می‌دارند و مایه نگرهبانی و عظمت دین آنان است.» (ابن خلدون، ۱۳۴۷، ج ۲: ۱۲۷)

ویل دورانت نیز در کتاب تاریخ تمدن خود در مورد شکوه و عظمت مساجد و نقش آنها در تمدن اسلامی می‌گوید: «هنگامی که محمد (صلی الله علیه و آله): در مدینه توقف کرد، مسجدی ساخت و درصدد برآمد در دولت جدید، برادری دینی را جانشین روابط خونی کند و از رقابت مهاجران و انصار جلوگیری کند، زیرا آثار این رقابت نمایان شده بود؛ به این جهت هر یک از مهاجران را با انصار برادر خوانده کرد و گفت تا هنگام نماز در مسجد با یکدیگر باشند» (دورانت، ۱۳۷۸، مقدمه: ۱۳۱).

بنابراین، مایه مباهات است که پیامبر با بنای مسجد توانست شکوهی در تمدن اسلامی ایجاد کند تا مسلمانان با آفریدن عجایب و شگفتی‌ها، اوج و عظمت مقدس‌ترین مکان‌های روی زمین را برای پرستش و عبادت خالق هستی به جهانیان عرضه کنند. با این اوصاف می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که مسجد هدف و کارکردهایی دارد. منظور از هدف آن چیزی است که اصلت دارد و بدون آن بنای مسجد کاری عبث خواهد بود. به عبارت دیگر هدف را می‌توان همان فلسفه وجودی دانست.

منظور از کارکرد، پیامدهای جانبی است که در سایه حضور در مسجد برای نیل به آن هدف اصلی، حاصل می‌گردد. تفاوت کارکردها با هدف در این است که اگر مسجدی یک یا چند مورد از این کارکردها را نداشته باشد از اصل مسجد بودن ساقط نمی‌شود، اما اگر در آن نماز اقامه نگردد، یا امکان برپایی نماز در آن نباشد دیگر مسجد نیست؛ بلکه مثلاً جزء میراث فرهنگی و آثار تاریخی است. مساجد هر قدر که در کنار هدف اصلی خود، کارکردهای بیشتری را تأمین کنند، نهادی غنی‌تر برای ترویج و استقرار دین خواهند بود. کارکردهایی که برای مساجد می‌توان برشمرد عبارتند از: کارکردهای عبادی، آموزشی، تربیتی، فرهنگی و ارتباطی، اجتماعی، سیاسی، معماری و نقش‌آفرینی در فضای کالبد شهری، حقوقی، نظامی و اقتصادی (ر.ک: الویری، ۱۳۸۶: ۹).

### کارکردهای فرهنگی مسجد در جامعه

در رابطه با مسجد و نوع کارکردهای آن آیات و احادیث

آموزش داده و گفت‌وگوهای علمی و فرهنگی میان هیئت‌های اعزامی قبایل نیز در مسجد صورت می‌گرفت؛ که در حقیقت این برنامه‌ها مضاف بر جنبه‌های سیاسی، به‌منظور گرویدن به اسلام و تبلیغ معارف اسلامی نیز بوده است (آیتی، ۱۳۶۱: ۱۴۳).

محیط فرهنگی که پیامبر در مسجد ایجاد کرده بودند، ایجاب می‌کرد که در حضور آن حضرت و با اجازه ایشان مسابقه شعر و سخنرانی در مسجد برگزار شود و پیامبر با بردباری با چنین مسائلی برخورد می‌کردند (همان: ۱۴۷).

شکل‌گیری مسجد در جوامع اسلامی، محور اساسی روند حرکت روزافزون و آغاز فصل جدید سیاسی در حیات امت مسلمان است و نخستین گام بنیاد تمدنی نوین با تأسیس این پایگاه عبادی-سیاسی ریخته شد. مرکزیت سیاسی مسجد و پویایی تمدن اسلام اصل مهمی است که بر حکومت، جامعه و فرهنگ تأثیری ژرف دارد (معادیخواه، ۱۳۷۷: ۴۵).

جالب آنکه حضرت رسول (ص) برای آنکه آمیختگی مسجد را با زندگی اجتماعی مردم نشان دهد، خانه و مسجد را در یک بنای معماری واحد برپا کرد و خانه‌های صحابه، مهاجرین و انصار را در اطراف آن مستقر نمود، تعداد بسیاری از مسلمانان بی‌خانمان و اهل تعبد را با عنوان اصحاب صفه، در حوالی مسجد اسکان داد. همچنین در کنار مسجد خیمه‌ای به عنوان بیمارستان برپا شد و مکانی نیز به امور نظامی اختصاص داشت و از این روست که ساختمان‌های مهم اجتماعی، عمومی و حیاتی باید در اطراف مسجد تمرکز یابند. (حجتی، ۱۳۷۷: ۶۵).

ابن خلدون در مقدمه کتاب تاریخی خود با دقت بی‌نظیری تاریخ را به شیوه علمی تحلیل کرده و دیدگاه‌های خود را درباره مسجد از نوع معماری تا نسبت آن با سیاست و مباحث اجتماعی و نقش مساجد عظیم همچون مسجدالحرام، مسجدالنبی و مسجدالاقصی را در عالم اسلامی بیان کرده است.

وی در باب چهارم مقدمه خود می‌گوید: «باید دانست که خدای سبحان و تعالی نقاطی از زمین را گرمی شمرده و به عنایت خویش اختصاص فرموده و آنها را جایگاه پرستش خود قرار داده است که در این‌گونه جایگاه‌ها ثواب و اجر عبادت آدمی را دو چندان می‌کند تا از این راه بندگان خود را مشمول مهر و احسان خویش سازد و طریق سعادت ایشان را آسان فرماید ...



که شب و روز را جانشین یکدیگر قرار داد برای کسی که بخواهد متذکر شود یا شکرگزاری کند. (فرقان، ۶۲)

نکته دوم: «الْمَسَاجِدِ» چون به صورت جمع به کار رفته است، به نظر می‌رسد بیانگر تعدد و تنوع باشد؛ یعنی مساجد مختلف هر یک به تناسب شرکت کنندگان در نماز، شخصیت امام جماعت و برنامه‌هایی که در آنجا برگزار می‌گردد، دارای برخی از این کارکردها هستند و چه‌بسا شرکت در مساجد مختلف بهره بیشتری از این کارکردها را نصیب انسان کند.

نکته سوم اینکه: عبارت «أَصَابَ إِحْدَى الثَّمَانِ» یعنی به یکی از این هشت مورد خواهد رسید، بنابراین مفهوم این جمله آن است که شاید فرد مسجیدی به برخی یا به اکثر این امور دست نیابد. اینکه حضرت این هشت مورد را به صورت گزینه‌های محتمل مطرح کرده‌اند این فرضیه را قوت می‌بخشد که هیچ یک از این امور جزء اهداف ذاتی بنای مسجد نیستند؛ بلکه کارکردهایی هستند که در پی آن اهداف و به صورت عرضی حاصل می‌گردند. البته امکان حصول این هشت مورد به صورت تام و توأمان نشانه کمال مسجد است و کمیت (دستیابی به همه یا بعضی از آنها) و کیفیت (میزان برخورداری از هر یک) به ظرفیت وجودی و قابلیت انسان وابسته است.

بنابراین از جمله حضرت که فرموده‌اند «أَصَابَ إِحْدَى الثَّمَانِ» این مفهوم را می‌توان برداشت نمود که مساجد در وضع مطلوب باید این هشت کارکرد را داشته باشند تا هر کسی متناسب با سطح معرفتی و نیاز سلوکی خود یکی از آنها را از مسجد اخذ کند. بنابراین از نگاهی این روایت را می‌توان مبنایی برای سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی به‌منظور ارتقاء کارکردهای حقیقی مساجد به‌شمار آورد و در مرحله بعد با عزمی راسخ و همتی مجدانه در جهت رسیدن مساجد به این شرایط تلاش کرد. فلسفه وجودی مسجد همان اقامه نماز و قرائت قرآن است. بدیهی است که مسجد اولاً و بالذات برای اقامه نماز و قرائت

مختلفی وجود دارد که در راستای هدف این مقاله سعی کرده‌ایم روایتی از امیرالمؤمنین (ع) را به عنوان چارچوب تحلیلی، مورد بررسی قرار دهیم.

امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) در حدیثی کارکردهای مسجد را چنین بر می‌شمرند: «مَنْ اخْتَلَفَ إِلَى الْمَسَاجِدِ أَصَابَ إِحْدَى الثَّمَانِ؛ أَخَا مُسْتَفَاداً فِي اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ أَوْ عَلِماً مُسْتَطَرِّفاً أَوْ آيَةً مُحْكَمَةً أَوْ رَحْمَةً مُنْتَظَرَةً أَوْ كَلِمَةً تَرُدُّهُ عَنْ رَدَى<sup>۲</sup> أَوْ يَسْمَعُ كَلِمَةً تَدُلُّهُ عَلَى هُدَى أَوْ يَتْرُكُ ذَنْباً حَشِيئَةً<sup>۳</sup> أَوْ حَيَاءً». (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج: ۱، ۲۳۸).

هر کس که به مساجد رفت و آمد داشته باشد، یکی از این هشت مورد شامل حال او می‌شود:

۱. برادری ایمانی که در مسیر خداوند از او استفاده کند.
۲. کسب علم و دانشی جدید.
۳. فهم و درک آیات قرآن.
۴. رحمتی که انتظار آن را از جانب خداوند می‌کشد. [شاید منظور اجابت دعاها و برطرف شدن حوایج و خواسته‌های مادی و معنوی انسان باشد که در انتظار تحقق آن از جانب خداوند است].
۵. شنیدن سخنی که او را از هلاکت و گمراهی باز دارد.
۶. شنیدن سخنی که او را به هدایت رهنمون سازد.
۷. ترک گناه به سبب خشیت [از خداوند].
۸. ترک گناه به سبب حیا [از برادران ایمانی].

در رابطه با برخی لغات این حدیث لازم است چند نکته بیان شود: نکته اول: اخْتَلَفَ دلالت بر تنوع و استمرار دارد؛ بررسی لغوی نشان می‌دهد «اخْتَلَفَ» از مصدر (خَلَفَ) به معنای تنوع و گونه‌های مختلف و متنوع است. اخْتَلَفَ الی المکان یعنی به آن مکان رفت و آمد کرد. (مهیار، ۱۴۱۰ق: ۲۱۷) خَلَفَهُ: بکسر اَوَّل و سکون ثانی در جایی گفته می‌شود که یکی از پی دیگری در آید (راغب، ۱۴۱۲ق: ۲۹۴؛ قرشی، ۱۴۱۲ق، ج: ۲، ۲۸۵) مثل «وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ اللَّيْلَ وَ النَّهَارَ خِلْفَةً لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يَذَّكَّرَ أَوْ أَرَادَ سُكُوراً» و او همان کسی است

۱. «اسْتَطَرَّفَ» از ریشه (طَرَفَ) به معنای برگزیده شمردن و چیزی را نو دانستن است (مهیار، ۱۴۱۰ق: ۵۷۹). اسْتَطَرَّفَتِ الشَّيْءَ یعنی چیزی را مجدداً به وجود آوردن (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج: ۹، ۲۱۴ و فیض، ۱۴۰۶ق، ج: ۷، ۵۱۲) و منظور از موضوعات مستطرفه، موضوعات نو و جدید است. (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج: ۷، ۶۸).

۲. «الرَدَى» از ریشه (رَدَى) به معنای هلاک شونده، نابود شده (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج: ۱۴، ۳۱۷) و همچنین به معنای فرو افتاده (مهیار، ۱۴۱۰ق: ۴۳) است.

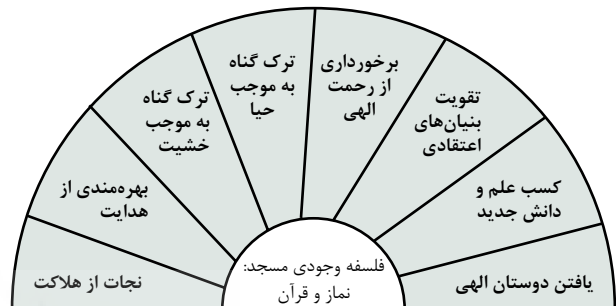
۳. «حَشِيئَةً» از ریشه (حَشَى) به معنای ترسیدن (مهیار، ۱۴۱۰ق: ۳۶۵) - مترادف (الخَائِف) - و پرهیز کردن است. (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج: ۱۴، ۲۲۹) راغب اصفهانی می‌گوید: این خوف برای تعظیم است (خوفٌ يُشْبِهُ التَّعْظِيم) و علت آن اطلاع و آگاهی فرد از آن چیزی است که مستحق ترس است (راغب، ۱۴۱۲ق: ۲۸۴) و به همین دلیل است که در قرآن کریم مقام خشیت از خداوند تنها به علما و دانشمندان راستین منحصر شده - است آنجا که می‌فرماید: «إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ» از میان بندگان خدا، تنها دانشمندان از او می‌ترسند (فاطر/ ۲۸).

عَلَى أَوْلِيكَ فِتْنَةً أَتْرُكُ الْحَلِيمَ فِيهَا حَيْرَانَ وَقَدْ فَعَلَ وَ نَحْنُ نَسْتَقِيلُ اللَّهَ عَشْرَةَ الْعُقَلَةِ» (رضی، ۱۳۸۶: حکمت ۳۶۹) «زمانی برای مردم فرا می‌رسد که از قرآن چیزی باقی نمی‌ماند جز نشانی و از اسلام جز اسمی. در آن زمان مسجدهایشان از نظر ساختمان آباد است، ولی از جهت ارشاد و هدایت خلق خراب، ساکنین و آبادکنندگان مساجد آن زمان از بدترین مردم روی زمین هستند. از وجودشان فتنه برخیزد و لغزش و خطا به آنها پناه می‌برد، هر که از آن فتنه کناره گیرد بدان بازش می‌گردانند و آنکه از آن عقب افتاده به طرف آن می‌رانندش. خداوند سبحان می‌فرماید: به حق خودم سوگند چنان فتنه را برایشان بر می‌انگیزم که مردمان عاقل را در آن سرگردان کنم و به‌راستی که پروردگار چنین کرده است و ما از پروردگار می‌خواهیم از لغزشی که از ما سر می‌زند، بگذرد.»

اگرچه همه فرازهای این حدیث در خور توجه است؛ ولی تأکید اصلی بر جمله «خَرَابٌ مِنَ الْهَدْيِ» تا پایان است و می‌توان گفت در این سخن حضرت دو دسته از مساجد را مورد نکوهش قرار داده‌اند: دسته اول مساجدی که از نظر هدایت فکری در جامعه اسلامی خنثی و غیرفعال عمل کرده و در واقع بدون کارکرد فرهنگی و هدایتی در راستای تقویت بنیان‌های اخلاقی و معنوی می‌باشند و دسته دیگر مساجدی که مرکز نشر افکار نادرست و غیراسلامی بوده و در واقع به ترویج رذائل اخلاقی اشاره دارد.

متأسفانه باید گفت این وضع غم‌بار در عصر حاضر تحقق یافته است. با نگاهی گذرا به مجموعه مساجد در کشورهای اسلامی این حقیقت تلخ روشن می‌شود که در حال حاضر بسیاری از مساجد توان لازم را جهت تقویت بنیه فکری و فرهنگی و معنوی مسلمانان ندارند و از این دردناکتر مساجدی است که به گمراه کننده‌ترین اندیشه‌ها، رنگ و بوی دینی می‌بخشند و آن را در جهان منتشر می‌کنند. آرزو می‌کنیم در سایه رشد و آگاهی مسلمانان شاهد روزی باشیم که مساجد جایگاه فرهنگی خود را باز یابند و به‌صورت کانون‌های آموزش و تربیت مسلمانان عمل کنند و اندیشه‌های اصیل اسلامی بیش از پیش از این مراکز مقدس منتشر شود و بر تمام گستره زمین پرتوافکنی کند.

قرآن وضع شده است؛ «إِنَّمَا نُصِبَتِ الْمَسَاجِدُ لِلْقُرْآنِ» (صدوق، ۱۴۱۳، ج ۳: ۲۵۹) اما این هدف مقدس و عالی، کارکردهایی دارد که راه‌حل بسیاری از معضلات امروز جامعه است. عبارات امیرالمؤمنین را می‌توان ذیل کارکردهای فرهنگی، اجتماعی، علمی و آموزشی، اعتقادی، تربیتی و هدایتی مساجد طبقه‌بندی کرد که می‌توان مدل آن را چنین ترسیم کرد:



شکل ۱. اهداف و کارکردهای مسجد

با بررسی دقیق این روایت ارزشمند درمی‌یابیم که اگرچه حضرت علی (ع) در این حدیث اگرچه به فلسفه وجودی و هدف اصلی از تأسیس مسجد اشاره‌ای ندارند، ولی تعدادی از کارکردهای مسجد را برای هر انسان مسلمانی که به مساجد رفت و آمد می‌کند، بیان کرده‌اند. در واقع آن‌چه حضرت در این روایت بیان می‌کنند، مطلبی فراتر از اهداف اولیه حضور در مسجد و به‌نوعی نتایج ثانویه آن است. این معنا از تأمل و تعمق در فقره ابتدای حدیث که می‌فرمایند: «مَنْ اخْتَلَفَ إِلَى الْمَسَاجِدِ أَصَابَ إِحْدَى الثَّمَانِ» کاملاً روشن می‌گردد.

امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) با دیدگان تیزبین خود این پدیده را که در دوران غیبت امام معصوم (علیه‌السلام) و آخر الزمان مساجدی شکل می‌گیرند که تنها ساختمان‌های مجلل و آباد بوده و به دور از هر گونه کارکرد فرهنگی و اخلاقی هستند را پیشگویی کرده و فرموده‌اند: «يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ لَا يَبْقَى فِيهِمْ مِنَ الْقُرْآنِ إِلَّا رُسْمُهُ وَمِنَ الْإِسْلَامِ إِلَّا اسْمُهُ وَمَسَاجِدُهُمْ يَوْمَئِذٍ عَامِرَةٌ مِنَ الْبِنَاءِ خَرَابٌ مِنَ الْهَدْيِ سَكَّانُهَا وَعَمَارُهَا شَرُّ أَهْلِ الْأَرْضِ مِنْهُمْ تَخْرُجُ الْفِتْنَةُ وَإِلَيْهِمْ تَأْوِي الْخَطِيئَةُ يَرُدُّونَ مَنْ شَدَّ عَنْهَا فِيهَا وَ يَسُوقُونَ مَنْ تَأَخَّرَ عَنْهَا إِلَيْهَا يَقُولُ اللَّهُ سُبْحَانَهُ فَبِي حَلْفُتْ لَأَبْعَثَنَّ

۱. به‌درستی که مساجد تنها برای قرائت قرآن تعیین شده‌اند.

## نتیجه‌گیری

جامعه از منظری کلان دارای سه بنیان است: فرهنگ، اقتصاد و سیاست. (ر.ک: پورعزت، ۱۳۸۷: ۴۳) با این وصف کارکردهای هر موجودیت اجتماعی را می‌توان از این سه منظر بررسی کرد. با دقت در حدیث امیرالمومنین (ع) که برای اهالی مسجد هشت کارکرد ذکر کرده‌اند، در می‌یابیم که همه این موارد فرهنگی هستند و ناظر به رشد و تعالی اخلاق و معنویت در جامعه می‌باشند. البته پر واضح است که تمام این موارد با نگاه دین‌مدارانه به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم در بخش‌های دیگر جامعه نیز تأثیر دارند که بحث پیرامون این امر خود مقاله‌ای جداگانه طلب می‌کند.

بنابراین می‌توان گفت که مقصود از توسعه فرهنگی و اخلاقی جامعه در پرتو مساجد؛ بهینه‌سازی، بهره‌برداری، افزایش نقش، جایگاه، کارکرد و ارتقای سطح و بالا بردن کیفیت و عرضه خدمات عبادی، آموزشی و غیره و افزون ساختن جاذبه‌های مسجد و در یک جمله آوردن مسجد در متن زندگی مردم مسلمان و برقراری و مستحکم ساختن پیوند بین مسجد و امور گوناگون در حیات بشری است.

## منابع:

- پورعزت، علی‌اصغر. (۱۳۸۷). «مبانی دانش اداره دولت و حکومت» (مبانی مدیریت دولتی)، تهران: انتشارات سمت، چاپ اول.
- جانی پور، محمد. (۱۳۸۳). «طرح پژوهشی اقامه نماز در بین جوانان و نوجوانان شهر تهران»، تهران: سازمان ملی جوانان، دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۷). «شکوفایی عقل در پرتو نهضت حسینی»، قم: مرکز نشر اسراء، چاپ پنجم.
- حجتی، سیدمحمد باقر. (۱۳۷۷). «مسجد نبوی در گذر تاریخ»، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- حرّ عاملی، محمدبن حسن بن علی. (۱۴۰۹ق). تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، قم: مؤسسه آل البیت (علیه‌السلام)، چاپ اول.
- حسینی‌منش، سیدمحمد مهدی. (۱۳۷۹). «فرهنگ، سیاست و توسعه در ایران امروز»، مجموعه مقالات نقش دین در فرهنگ و توسعه فرهنگی، تهران: نشر دال.
- خلیلیان، محمدجمال. (۱۳۸۱). «اسلام و توسعه»، قم: مرکز مطالعات و پژوهش‌های فرهنگی حوزه علمیه.
- خمینی، روح‌الله. (۱۳۸۶). «چهل حدیث»، تهران: مرکز نشر فرهنگی رجا، چاپ دوم.
- ----- (۱۳۸۲). «صحیفه نور»، تهران: مؤسسه حفظ و نشر آثار امام خمینی.
- خوبی، سید ابوالقاسم. (۱۳۷۵). «البیان فی تفسیر القرآن»، قم: انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه.
- دورانت، ویل. (۱۳۷۸). «تاریخ تمدن»، ترجمه نادر سالارزاده امیری، تهران: ققنوس.
- راغب اصفهانی، حسین‌بن محمد. (۱۴۱۲ق). «المفردات فی غریب القرآن»، تصحیح صفوان عدنان داودی، بیروت: دارالعلم.
- رضی، سیدشرف. (۱۳۸۶). «نهج‌البلاغه»، ترجمه محمد دشتی، مشهد: انتشارات سنبله، مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمؤمنین.
- روح‌الامینی، محمود. (۱۳۷۲). «زمینه فرهنگ‌شناسی»، تهران: انتشارات عطار.
- شیرازی، صدرالدین محمد. (بی تا). «الحکمة المتعالیة فی الاسفار العقلیة الاربعه»، قم: چاپ مصطفوی.
- صالحی، غلامرضا، دانشگاه. (۱۳۸۲). «جامعه و فرهنگ»، گزارش شورای فرهنگی و اجتماعی، تهران: وزارت علوم تحقیقات و فناوری، چاپ اول.
- صدوق، محمد بن علی بن بابویه. (۱۴۱۳ق). «من لا یحضره الفقیه»، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه، چاپ دوم.
- طباطبایی، سیدمحمد حسین. (۱۳۷۴). «المیزان فی تفسیر القرآن»، ترجمه موسوی همدانی سید محمد باقر، قم: انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طبرسی، فضل‌بن حسن. (۱۳۷۲). «مجمع البیان فی تفسیر القرآن»، تهران: انتشارات ناصر خسرو.
- طوسی، ابوجعفر محمدبن حسن. (۱۳۹۰). «الاستبصار فیما اختلف من الأخبار»، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ اول.
- عاملی، زین‌الدین بن علی. (۱۳۶۸). «منیه المرید فی آداب المفید و المستفید»، تحقیق رضا مختاری، قم: انتشارات مکتب الإعلام اسلامی.
- عباسی‌نیا، سعید. (۱۳۸۰). «کتابشناسی مسجد»، تهران: ستاد عالی کانون‌های فرهنگی و هنری مساجد.
- عزتی، مرتضی. (۱۳۷۸). «جایگاه فرهنگ در توسعه از دیدگاه حضرت امام خمینی»، قم: فصلنامه مفید، شماره ۲۰.
- قرآن مجید. (۱۳۷۳). ترجمه مکارم شیرازی، قم: دارالقرآن الکریم.
- آیتی، محمد ابراهیم. (۱۳۶۱). «تاریخ پیامبراسلام» تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ابن‌خلدون، عبدالرحمن. (۱۳۷۵). «مقدمه فی التاریخ»، ترجمه محمد پروین گنابادی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ هشتم.
- ابن‌سعد، محمد بن منیع الهاشمی البصری. (۱۴۱۰ق). «الطبقات الکبری»، تحقیق محمد عبد القادر عطا، بیروت: دارالکتب العلمیة، چاپ اول.
- ابن‌مسکویه، ابوعلی احمد بن محمدبن یعقوب. (۱۴۱۵ق). «تهذیب‌الاخلاق و تطهیر الاعراق»، قم: انتشارات بیدار.
- ابن‌منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴ق). «لسان‌العرب»، بیروت: انتشارات دار صادر، چاپ سوم.
- ابن‌هشام، عبدالملک الحمیری المعافری. (۱۳۷۵). «السیرة النبویة»، ترجمه سید هاشم رسولی، تهران: انتشارات کتابچی، چاپ پنجم.
- ازکیا، مصطفی. (۱۳۸۰). «جامعه‌شناسی توسعه»، تهران: انتشارات کتابچی، نشر کلمه.
- اشرفی، محمدرضا. (۱۳۸۵). «جوان و بحران هویت»، تهران: سروش، چاپ چهارم.
- الویری، محسن، مسجد. (تابستان ۱۳۸۶). «ارتباطات و توسعه پایدار»، تهران: فصلنامه علمی نامه صادق، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)، شماره ۳۱.
- باباشاهی، علی و حشمتی، محمدرضا. (۱۳۸۰). «راهنمای ساخت مسجد»، تهران: مؤسسه عمران مسجد.

- علی اکبری، حسن. (۱۳۸۱). «حیات طیبه»، تهران: نسل کوثر.
- فتحعلی خانی، محمد. (۱۳۷۴). «آموزه‌های بنیادین علم اخلاق»، تهران: انتشارات کوثر.
- فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۱۰ق). «کتاب العین»، قم: منشورات الهجره، چاپ دوم.
- فروغ، مسجد. (۱۳۸۵). تهران: «مجموعه مقالات همایش بین‌المللی هفته جهانی مساجد».
- فیض کاشانی، محمدحسین ابن شاه مرتضی ابن شاه محمود. (۱۴۰۶ق). «الوافی»، تصحیح ضیاء الدین حسینی اصفهانی، اصفهان: کتابخانه امام امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام)، چاپ اول.
- قرشی، سیدعلی اکبر. (۱۴۱۲ق). «قاموس قرآن»، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ ششم.
- الکتانی، عبدالحی. (بی تا). «نظام الحکومه النبویه»، بیروت: انتشارات التراتیب الداریه.
- کلینی، ابوجعفر محمدبن یعقوب. (۱۴۰۷ق). «الکافی»، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم.
- مجلسی دوم، مولی محمد باقر بن مولی محمد تقی. (۱۴۱۲ق). «بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار» (علیه‌السلام) تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ سوم.
- مجموعه مقالات همایش معماری مسجد: گذشته، حال، آینده. (۱۳۷۸). تهران: دانشگاه هنر.
- مساجد در تمدن اسلامی. (۱۳۸۴). تهران: دبیرخانه ستاد عالی هماهنگی و نظارت بر کانون‌های فرهنگی، هنری مساجد، انتشارات رسانش.
- مسجد در سفرنامه‌ها. (۱۳۸۴). تهران: دبیرخانه ستاد عالی هماهنگی و نظارت بر کانون‌های فرهنگی هنری مساجد، رسانش.
- مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۳۷۹). «تہاجم فرهنگی»، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- مصطفوی، حسن. (۱۳۶۰). «التحقیق فی کلمات القرآن الکریم»، تهران: انتشارات
- بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۸۱). «خلاصه آثار»، تهران: انتشارات صدرا، چاپ بیست و هفتم.
- معادخواه، عبدالمجید. (۱۳۷۷). «تاریخ اسلام»، تهران: نشر ذره.
- معارف، مجید. (۱۳۸۳). «مباحثی در تاریخ و علوم قرآن»، تهران: انتشارات نباء.
- معین. (۱۳۷۸). «فرهنگ لغت»، تهران: انتشارات دانشگاه، چاپ سوم.
- مکی سباعی، محمد. (۱۳۷۳). «تاریخ کتابخانه‌های مساجد»، ترجمه محمد عباسپور و محمد جواد مهدوی، مشهد: آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۴). «تفسیر نمونه»، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ اول.
- موظف رستمی، محمدعلی. (۱۳۸۱). آیین مسجد، تهران: انتشارات گویه.
- مہیار، رضا. (۱۴۱۰ق). فرهنگ اجدی عربی - فارسی»، تهران: انتشارات اسلامی، چاپ اول.
- النمیری، ابن شہ. (۱۳۶۸). تاریخ المدینہ، تحقیق فہیم محمد شلتوت، قم: انتشارات دارالفکر.
- نوبهار، رحیم. (۱۳۷۲). سیمای مسجد، قم: انتشارات اعتماد.
- نوری‌ها، علیرضا. (۱۳۸۳). «چگونه مساجد را از غربت درآوریم»، قم: نسیم حیات.
- نوری، میرزا حسین. (۱۴۰۸ق). «مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل»، بیروت: مؤسسه آل البیت.
- نیشابوری، غلامرضا. (۱۳۷۷). «داستان‌ها و حکایت‌های مسجد»، تهران: انتشارات سیدجمال الدین اسدآبادی.
- یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب ابن واضح. (۱۳۷۱). «تاریخ یعقوبی»، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ ششم.